



● حمید عبدالحسین حریری

## صنعت و بیمه آتش سوزی

به بیان دیگر اگر سیاست دولت مبتنی بر افزایش رشد اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و توسعه آن باشد با تأسیس یا توسعه واحدهای صنعتی، بازار بالقوه‌ای برای موسسات بیمه‌گر در این بخش ایجاد می‌شود. در مقابل اگر سیاست دولت در جهت تشویق و توسعه فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی باشد، بازار صنعت بیمه به صنایع وابسته به کشاورزی متمایل خواهد شد.

### ۲. تحولات سیاسی جامعه

حق بیمه آتش سوزی از تحولات سیاسی جامعه، تأثیر می‌پذیرد. بدین معنی که پیدایش ثبات سیاسی در جامعه موجب افزایش فعالیت‌های اقتصادی و رونق بازار بیمه آتش سوزی می‌شود و در مقابل بروز بحران‌های سیاسی و در نتیجه آن رکود اقتصادی، سبب کاهش رشد بیمه آتش سوزی می‌گردد. البته تحولات اقتصادی و اجتماعی نیز در بازار بیمه آتش سوزی دخالت دارند ولی از آنجا که این مقوله‌ها خارج از چارچوب بحث قرار دارند، از پرداختن بیشتر به آنها خودداری می‌شود.

قدیمی‌ترین رشته بیمه‌ای که در بازار بیمه ایران رواج داشته بیمه آتش سوزی است. به دلیل اینکه حوزه تامین و پوشش بیمه‌ای این رشته به طور عمده صنایع، تأسیسات، انبارهای عمومی و خصوصی، ساختمان‌های اداری، تجاری، خدماتی و مسکونی و دیگر سرمایه‌های منقول و غیر منقول را در بر می‌گیرد می‌توان گفت رشد این شاخه از بیمه با عوامل زیر رابطه مستقیم دارد:

۱. برنامه ریزی‌های کلان اقتصادی دولت در جهت سرمایه‌گذاری
۲. تحولات سیاسی جامعه
۳. سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مؤسسات بیمه

### ۱. برنامه ریزی‌های کلان اقتصادی دولت

گسترش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، به صورت طبیعی می‌تواند سهم حق بیمه دریافتی بیمه آتش سوزی را افزایش داده و رشد بیمه آتش سوزی را به دنبال داشته باشد و یا موجب کاهش سهم این رشته در ترکیب فعالیت‌های بیمه‌ای شود.

● مقاله ارائه شده

در سمینار «صنعت و بیمه»  
( آبان ۱۳۸۴ - مشهد مقدس )

## ۳. سیاست گذاری و فعالیت مؤسسات بیمه

می دانیم که حق بیمه آتش سوزی از فروش بیمه نامه هادر محورهای ذیل حاصل می شود:

۱. فروش بیمه نامه آتش سوزی در بخش مسکن
۲. فروش بیمه نامه آتش سوزی در بخش صنعت
۳. فروش بیمه نامه آتش سوزی در بخش تجارت

در نگاه اول به نظر می رسد که قسمت عمده حق بیمه دریافتی شرکت های بیمه به لحاظ گستردگی و کثرت منازل مسکونی در این بخش بیشتر از بخش های دیگر است. ولی با توجه به نقص یا مشکلات ساختاری شبکه فروش در شرکت های بیمه از یکسو و وجود تقدیرگرایی در فرهنگ جامعه از سوی دیگر وسایر عوامل خارج از بحث، این بخش به رغم ظرفیت های نهفته در آن موفقیت چندانی نداشته و میزان نفوذ آن فراگیر نیست. براساس فرهنگ حاکم بر جامعه، ایرانیان علاقه مند هستند که مالک منزل مسکونی خود باشند و شاید بیشترین بخش از دارایی خانواده ها در منزل مسکونی قرار داشته باشد، طبیعی است با توجه به اینکه کشور ما از نظر وقوع بلایای طبیعی به ویژه زلزله دارای رتبه ویژه ای است می بایست در مورد حفظ آن در مقابل حوادث پیش بینی های لازم صورت گیرد.

در یک نگاه کلی چنین به نظر می رسد که ضریب نفوذ بیمه های آتش سوزی صنایع، بیش از دیگر بخش ها باشد ولی بررسی های آماری نشان می دهد که فعالیت بیمه گران در بیمه آتش سوزی در بخش تجاری موفق تر و گسترده تر از دو قسمت دیگر است. در یک جامعه کوچک آماری تحقیقات نشان داد که از صد بیمه گذار حقیقی در بخش تجاری فقط ۱۸ نفر دارای بیمه آتش سوزی منازل مسکونی بوده اند.

در بیمه آتش سوزی علاوه بر اینکه خسارت های ناشی از وقوع حریق، انفجار و صاعقه جبران می شود، خطرات دیگری نیز با توجه به نیاز متقاضی قابل پوشش است. این خطرات را می توان به دو دسته خطرات یا بلایای طبیعی و خطرات دیگر تقسیم نمود:

بلایای طبیعی شامل زلزله، سیل، طوفان، ضایعات ناشی از باران و برف و رانش زمین است. خطرات دیگر و یا خطرات غیر طبیعی را می توان خطر آب دیدگی و زیان های ناشی از آن به علت ترکیدن لوله های آب، سقوط هواپیما و انفجار ظروف تحت فشار نظیر دیگ های بخار در واحدهای صنعتی نام برد که یکی از عوامل بروز خسارت در واحدهای صنعتی کارخانجات می باشد. هر بیمه گذار را می توان با توجه به خطراتی که در معرض تهدید آنهاست تحت پوشش حمایتی قرار داد.

به منظور بررسی ارتباط بیمه آتش سوزی با صنایع کشور و اینکه آیا در این زمینه موفق بوده ایم؟ چگونه می توانیم این موفقیت را گسترش دهیم؟ چرا از جایگاه فعلی برخوردار هستیم بحث به دو قسمت تقسیم می شود:

**الف: چالش صنعت بیمه در ارتباط با بیمه آتش سوزی صنایع کشور**  
**ب: چالش صنایع کشور در ارتباط با بیمه آتش سوزی**

**الف:** به دلیل ماهیت تأمین بیمه، آن را نمی توان کالای فیزیکی تلقی نمود و در نتیجه، تغییرات و نوآوری در آن بسیار اندک و کند است. بنابراین با در نظر گرفتن پیشرفت و تکامل تکنولوژی و دانش فنی، که پیامد آن را می توان در صنعت و نزد ارباب صنایع ملاحظه نمود، جامعه بیمه (صنعت نمی گویم تا با صنایع تداخل نشود) همگام با تغییرات و تکامل صنعت برای رفع نیازهای آنها عمل نموده و به سبک و سیاق قدیمی و سنتی خود طی طریق می نماید. البته می توان تأسیس و ایجاد شرکت های بیمه خصوصی در سال های اخیر را تزریق خونی تازه در رگ های جامعه بیمه تلقی نمود. بهتر است بیمه گران با سرمایه گذاری بنیادی در آموزش نیروهای جوان و متخصص خود و اعزام آنها به خارج از کشور، از نوآوری و سیستم و عملکرد فعلی شرکت های بیمه کشورهای رشد یافته در کلیه زمینه های بیمه، به ویژه بیمه آتش سوزی صنایع توشه ای بگیرند. امروزه در خصوص بیمه آتش سوزی در بخش صنایع در کشور فرانسه تعهد بیمه گران فقط جبران خسارت نیست بلکه شامل تأمین مالی بیمه گذار نیز می شود. بدین گونه که وقتی بیمه گذار در بخش صنعت با وقوع حادثه مثلاً در انبار محصول و یا خط تولید مواجه می شود، تعهد بیمه گر محدود می شود به اینکه هزینه بازسازی را پرداخت نماید، در حالی که بیمه گذار مجبور است علاوه بر بازسازی، بهسازی نیز نماید. حتی در مواردی نظیر آسیب دیدن ماشین آلات یا خطوط تولید، بازسازی و بهسازی میسر نیست بلکه باید نوسازی شود. اینجاست که در کنار اقدامات بیمه گذار به منظور نوسازی در یک دوره معین، بیمه گر در مقاطع مشخص و توافق شده، نیازهای مالی وی را تأمین می نماید و فقط به بررسی خسارت می پردازد. حال اگر پس از اتمام بازسازی و یا نوسازی مشخص شود که خسارت وارده بیش از پرداختی های بیمه گر یا معادل آن بوده که مسئله به راحتی تمام می شود ولی اگر پرداخت های بیمه گر بیش از خسارت باشد مابه التفاوت و در واقع اضافه پرداختی مذکور در قالب وام و تسهیلات اعطائی با نرخ سود رایج سیستم بانکی محاسبه می شود. همانطور که گفتیم مسئله بیمه آتش سوزی صنایع فقط جبران خسارت مالی نیست بلکه در پی هر حادثه نظیر حریق و زلزله و انفجار، خسارات غیر مشهود دیگری نیز وجود دارد نظیر پرداخت حقوق کارگران یا

■ امروزه در خصوص  
بیمه آتش سوزی  
صنایع در کشور  
فرانسه، تعهد بیمه گران  
فقط جبران خسارت  
نیست، بلکه شامل تأمین  
مالی بیمه گذار نیز  
می شود

دارایی‌های سازمان به آنها سپرده شده است. این دارایی‌ها ابزارهایی هستند که به کمک آنها می‌توان به اهداف سازمانی تعیین شده دست پیدا کرد. این دارایی‌ها، به ویژه در صنایع، در معرض خطرات گوناگونی هستند که قبلاً عنوان کردیم. بیمه آتش سوزی تنها ابزار کاهش خسارت و جایگزینی ثروت‌ها و دارایی‌های از دست رفته می‌تواند تلقی شود زیرا در سیستم بیمه از مکانیزم بیمه مجدد یا بیمه اتکایی استفاده شده و با تحقق خطر، خسارت وارده در این سیستم بین بیمه‌گران بین المللی تقسیم می‌شود. در واقع می‌توان گفت بار تأثیرات آن در اقتصاد ملی کم می‌شود.

تصور کنیم اگر در محدوده تهران - کرج زلزله ای رخ دهد و صدها کارخانه و واحد صنعتی آسیب ببیند در صورتیکه بیمه باشند بطور یقین بدون نیاز به کمک دولت خسارت‌های وارد شده با همان مکانیزم سرشکن شده و از زیان ملی جلوگیری می‌شود. حال اگر این واحدهای صنعتی دارای بیمه آتش سوزی بدون پوشش خطر زلزله داشته باشند چه خواهد شد؟

سه سال قبل که با وقوع حریق در یکی از قسمت‌های تولید اتومبیل در کارخانه ایران خودرو مواجه شدیم و میلیاردها ریال خسارت به این واحد صنعتی وارد شد قسمت اعظم خسارت پرداختی جهت جبران زیان وارده، سهم بیمه‌گران اتکایی خارج از کشور بود لذا ضروریست جهت حفظ و صیانت ثروت‌های ملی و انتقال زیان به بیمه‌گران مدیران صنایع از این ابزار به عنوان کارآمدترین روش استفاده نموده و از امنیت مالی و فکری در مواجهه با حوادث برخوردار شوند.

تصور کنیم وقوع حادثه در یک کارخانه یا واحد صنعتی که سهام آن در بورس عرضه شده و فاقد بیمه آتش سوزی است (با تیتراژ آن در یک روزنامه) چه تأثیری روی ارزش سهام و سهامداران خواهد گذاشت؟ اکنون چالش صنایع ایران در خصوص بیمه آتش سوزی را بطور خلاصه بررسی می‌نمائیم:



هزینه‌های جاری متعارف یا عدم حصول سودی که پیش‌بینی شده بود نظیر عدم النفع یا زیان توقف تولید. اقتباس و بومی سازی طرح از وظایف بیمه‌گران است تا بتوان بیمه آتش سوزی صنایع را متحول و جذاب نمود.

با نگاهی گذرا به فعالیت و عملکرد شرکت‌های بیمه می‌توان ملاحظه نمود که فقط ۵ درصد از کل حق بیمه‌های دریافتی در سطح کشور مربوط به واحدهای صنعتی در رشته آتش سوزی است. البته این نسبت در شرکت‌های بیمه دولتی کمتر و در شرکت‌های بیمه خصوصی بالاتر است این وضعیت نشانگر آنست که شرکت‌های بیمه خصوصی اولاً: به دنبال بیمه‌نامه‌هایی با مبالغ کلان هستند ثانیاً: اگر چه سهم آنها از بازار هر سال نسبت به سال قبل افزایش می‌یابد ولی بیشتر به صنایعی که خود بدان وابسته هستند سرویس دهی می‌کنند. ثالثاً: مورد استقبال اقشار مختلف جامعه واقع نشده‌اند. رابعاً: فاقد شبکه گسترده فروش می‌باشند و به منظور ایجاد این شبکه به سرمایه‌گذاری و جذب نیروی انسانی متخصص نیاز دارند.

در مجموع به نظر می‌رسد بیمه آتش سوزی در بخش صنایع از پتانسیل بیشتری برخوردار باشد. بهتر است شرکت‌های بیمه نیز با تعدیل و بازنگری در سیاست‌های فروش بیمه آتش سوزی به گونه‌ای عمل کنند تا شرایط موجود که عملاً به رقابتی غیر اصولی تبدیل شده به حالت تعادلی و معقول باز گردد.

در حال حاضر اغلب واحدهای صنعتی به شیوه‌ای نادرست مبادرت به استعمال و برگزاری مناقصه برای خرید بیمه آتش سوزی می‌نمایند و به نظر می‌رسد شرکت‌های بیمه نیز عملاً در دامی که به زیان آنهاست افتاده‌اند و با مشارکت در مناقصه خود باعث ادامه و گسترش جنگ اقتصادی و رقابت ناسالم بین یکدیگر شده و عملاً دست به نرخ شکنی می‌زنند. این در حالی است که نظام تعرفه‌ای موجود در کشور، حداقل نرخ را تعیین کرده

است. در چنین وضعیتی رسالت بیمه مرکزی در جهت نظارت مورد تردید واقع می‌شود زیرا در مقابل دعوت عام بیمه‌گذاران جهت نرخ شکنی اقدامی یا واکنشی نشان نمی‌دهد.

ب: بزرگترین چالش صنایع ایران در خصوص بیمه آتش سوزی را می‌توان بصورت زیر خلاصه نمود:

۱. کم بیمه گی.

۲. آشنا نبودن با خطرات و مدیریت ریسک.

قبل از پرداختن به مباحث فوق لازم است درباره نقش بیمه و صنایع در اقتصاد ملی و وظایف مدیران در این خصوص نیز مطالبی گفته شود.

یکی از وظایف مدیران، حفظ اموالی است که بصورت

متأسفانه مدیران و مسئولین محترم واحدهای صنعتی اغلب پس از تحقق خطر و وارد آمدن زیان، به ضرورت بیمه‌های بازگانی به ویژه بیمه آتش سوزی پی می‌برند و در آن موقع به جز افسوس فرصت‌های از دست رفته و تحمل خسارات و صدمات وارده نتیجه‌ای بدست نمی‌آید.

نمونه چنین سهل‌انگاری را چند سال قبل در استان خراسان شاهد بودیم. به گونه‌ای که کم‌اهمیت تلقی کردن پوشش بیمه‌ای و فاصله بین بیمه نامه قبلی و بعدی به مدت دو یا سه روز باعث شد کارخانه جدید الاحداث نخ مشهد که بسیار مدرن هم بود، طعمه حریق شود و نتواند از مزایای بیمه استفاده کند. هر چند تلاش‌های زیادی بعمل آمد تا بلکه این فاصله چندروز بیمه نبودن به نوعی پر شده و بیمه‌گر ملزم به پرداخت خسارت شود.

۲. صرف داشتن بیمه‌نامه بدون توجه به خطرات موجود و پوشش‌های مورد نیاز

گرچه بیمه در اصل به منظور جبران خسارت به وجود آمده ولی با توجه به نوع و شرایط حاکم بر هر قرارداد بیمه و پیچیدگی‌های آن، حدود تعهد بیمه‌گران مشخص و معین است. متأسفانه به این امر مهم و تخصصی در حال حاضر کمتر توجه شده و تصور می‌شود که صرف خریدن بیمه‌نامه بدون توجه به نوع و کاربرد آن - برای جبران هر نوع خسارت کافی است. ولی در عمل دیده می‌شود که با تحقق خطر، زیان وارده به مراتب بیش از خسارت قابل پرداخت بیمه است. بنابراین لزوم بالا بردن سطح دانش و شناخت بیمه‌ای مدیران ارشد و مسئولان صنایع در کشور احساس می‌شود. باید آنها را آگاه‌تر تا توجه لازم و کافی را نسبت به تعیین نوع پوشش بیمه مورد نیاز و ارزش واقعی سرمایه‌های بیمه شده مبذول دارند. در سال گذشته در شرکت بیمه آسیا و همچنین صنعت بیمه شاهد بودیم که در پی بارش سنگین برف در استان گیلان صنایع فعال در منطقه خسارت هنگفت و غیر قابل جبرانی را متوجه شدند. حدود ۷۰ درصد آنها فاقد بیمه آتش سوزی بودند و ۳۰ درصد بقیه که بیمه آتش سوزی داشتند عده‌ای دارای پوشش مناسب بوده و خسارت دریافت نمودند و بخش بیشتر آنها دارای پوشش برای خطرات ناشی از ضایعات برف و باران نبودند. آنان هر روز چشم به مساعدت بیمه یا دولت دوخته‌اند.

در یک واقعه و رخداد ناگوار اگر خانه‌ای آسیب ببیند دامنه خسارت چندان گسترده نیست و با توجه به روحیه و فرهنگ ایرانی - در صورتی که این منزل پوشش بیمه‌ای نداشته باشد - با همیاری سایر افراد خانواده نظیر پدر، برادر و ... لا اقل سر پناهی برای سکونت تعمیر و یا احداث می‌شود ولی چنین رخدادی در صنعت



۱. کم بیمه‌گی

بیمه سرمایه و دارایی در مقابل حوادث جایگاه خود را در تفکر و عملکرد صاحبان صنایع پیدا ننموده است. در فعالیت‌های اقتصادی همواره بانک و بیمه با هم مطرح می‌شوند و بانک‌ها نقش پررنگ و فعالی در فعالیت‌های صنعتی ایفا می‌کنند. به گونه‌ای که با از بین بردن و حذف نقش بانک به جرأت می‌توان گفت که هیچ واحد صنعتی قادر به ادامه فعالیت نخواهد بود و امر واردات، صادرات، اعتبار، پرداخت دستمزد و مالیات و مواردی نظیر آن مختل می‌گردد. ولی واحدهای صنعتی فراوانی هستند که به مکانیسم بیمه اعتقادی نداشته و حق بیمه‌ای که جهت برخورداری از تأمین و آسودگی خیال پرداخت می‌شود را نوعی هزینه تلقی می‌نمایند و از آنجا که بخشی از اقدامات مدیریت در هر فعالیت اقتصادی کاهش هزینه‌ها است، برخی از مدیران و صاحبان صنایع به منظور کاهش هزینه‌ها واحدهای صنعتی را یا بیمه نمی‌کنند و یا این واحدها دچار بیماری مزمن «کم بیمه‌گی» می‌باشند.

دلایل کم بیمه‌گی را می‌توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود:

الف) هزینه تلقی کردن حق بیمه که ناشی از تفکر حاکم بر مدیریت در صنایع می‌باشد.

ب) مشکلات مربوط به تعیین ارزش روز و واقعی دارایی‌ها ماشین‌آلات محصول، ساختمان، هزینه مربوط به آن و تأثیر پذیری ارزش دارایی‌ها در برابر میزان تورم و نرخ برابری ارز.

مخفی کاری و مصلحت اندیشی برای کمتر نشان دادن ارزش دارایی‌ها و محدود نشان دادن فعالیت‌های تجاری در ارتباط با مسائل مالیاتی.

■ برقراری ارتباطی  
مستمر بین ارگان‌های  
تصمیم‌گیر و  
سیاست‌گذار بیمه با  
مراکز نظارتی و هدایتی  
صنایع، لازمه حفظ  
سرمایه‌های ملی است

۲. عملکرد صنعت بیمه کشور در بخش صنایع بخش خصوصی ضعیف است و فعالیت شرکت‌های بیمه، با توجه به اینکه خود شرکت‌ها دولتی هستند، بیشتر معطوف به صنایع دولتی است. این در حالی است که ظرفیت بسیار بالایی در بخش صنایع خصوصی وجود دارد که با بازاریابی و ارائه خدمات بیمه‌ای مناسب زمینه‌های قابل توجهی برای فروش بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی ایجاد خواهد شد.

۳. همانگونه که ذکر شد حق بیمه آتش‌سوزی نسبت به کل حق بیمه‌های دریافتی از ۵ درصد تجاوز نمی‌نماید. یکی از علل مهم عدم موفقیت در فروش بیمه‌های آتش‌سوزی ارائه خدمات نامناسب است. همان‌گونه که می‌دانیم صنعت بیمه در تقسیم‌بندی فعالیت‌های اقتصادی در گروه خدمات قرار دارد. به عبارت دیگر ماهیت صنعت بیمه در امر خدمات‌رسانی آن معنا پیدا می‌کند. لذا بهترین راه افزایش فروش و ارتقاء این صنعت، خدمات‌رسانی بهینه است. ضرورت داشتن پوشش بیمه‌ای مناسب هنگامی مشخص می‌شود که خسارتی واقع شود. اگر در هنگام بروز خسارت شرکت‌های بیمه به بهترین شکل و در دوره یک زمانی مناسب خسارت وارده را جبران نمایند آنگاه زیان‌دیده به نقش و ضرورت و نیز منافع پوشش بیمه‌ای مناسب پی خواهد برد. بیمه‌گذار در این صورت ضرورت خرید بیمه‌نامه مناسب را حس نموده و مبلغی برای شرکت بیمه خواهد بود.

بنابراین در خصوص ارتباط میان بیمه‌های آتش‌سوزی و صنعت بیمه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که عمده‌ترین ضعف موجود بی‌اعتمادی صنایع نسبت به خدمات شرکت‌های بیمه و عدم شناخت صحیح صاحبان صنایع از چگونگی خدمات بیمه‌ای است. به این ترتیب باید یک رابطه دوسویه بین این دو برقرار گردد:

۱. ارائه خدمات لازم و مشاوره‌های کافی به منظور ارائه پوشش بیمه‌ای مناسب از طرف شرکت‌های بیمه به منظور جلب اعتماد و رضایت صنایع.

۲. اصلاح دیدگاه صاحبان صنایع نسبت به داشتن پوشش مناسب بیمه‌ای. یعنی اینکه پرداخت حق بیمه هزینه تلقی نگردد و جزء ضرورت‌های لاینفک فعالیت صنایع به حساب آید.

منابع:

۱. مصاحبه نگارنده با آقای فرامرز روحانی، معاون مدیرعامل بیمه آسیا در بیمه‌های اشیاء.

یا یک کارخانه بزرگ تولیدی را چگونه می‌توان جبران کرد؟ آیا صنایع رقیب کمک خواهند نمود؟ آیا دولت کمک می‌کند؟ علاوه بر آن در مدت زمانی که وقفه‌ای پیش آمده کارگران شاغل در آنجا و سایر کارگاه‌های وابسته چه باید بکنند؟ استفاده از بیمه با داشتن نظر فنی متخصصان و صاحب نظران بیمه و تأیید آنها می‌تواند نتایج زیان بار حوادث در حیطه فعالیت اقتصادی در صنایع را کاهش دهد.

توصیه مهم‌تر اینکه لازم است ارتباطی مستمر بین ارگان‌های تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار بیمه با مراکز نظارتی و هدایتی صنایع کشور ایجاد شود و مسئولینی که در حفظ سرمایه‌های ملی اهمال



می‌کنند مورد مؤاخذه قرار گیرند. در یک نگاه مختصر به صراحت می‌توان استنباط نمود حق بیمه دریافتی بیمه آتش‌سوزی واحدهای صنعتی نسبت به کل حق بیمه دریافتی در بازار بیمه بسیار نازل و از ۵ درصد تجاوز نمی‌کند. آیا مدیران صنایع کشور بهای لازم برای حفظ سرمایه‌های ملی و آسایش خاطر و امنیت سرمایه خود را پرداخت می‌نمایند؟

به طور خلاصه در خصوص بیمه‌های آتش‌سوزی و صنایع کشور نکات ذیل قابل ذکر است:

۱. به‌رغم سابقه طولانی رشته بیمه‌های آتش‌سوزی، متأسفانه فعالیت شرکت‌های بیمه به‌گونه‌ای نبوده است که صاحبان صنایع (به ویژه بخش خصوصی) داشتن پوشش بیمه‌ای مناسب را یک ضرورت تلقی نمایند به این علت که در هنگام خرید بیمه نامه‌های آتش‌سوزی متأسفانه مشاوره‌های کافی در خصوص ضرورت پوشش بیمه‌ای کامل و مناسب و فواید آن ارائه نمی‌گردد.

■ در پی بارش سنگین برف در استان گیلان خسارت هنگفت و غیرقابل جبرانی متوجه صنایع فعال منطقه شد که حدود ۷۰ درصد از آنها فاقد پوشش بیمه بود